

اکثریت

نشریه هواداران سلاطین فدائیان خلق ایران (انترنیت) در خارج از کشور

جمعه ۲۴ فروردین ۱۳۶۳ برابر ۱۳ آوریل ۱۹۸۴
بهاء ۴۰ ریال - سال اول - شماره ۲

نگاهی به انتخابات

پس از ماهها تبلیغات، کشمکش و درگیری اینک حکومت جمهوری اسلامی در آستانه برگزاری انتخابات دوره دوم مجلس قرار دارد. این نمایش انتخاباتی در شرایطی برگزار می شود که مهمترین مشخصه آن روی برتافتن قطعی رهبران چ ۱۰ از آماجهای انقلاب بهمن، اصول مردمی و ضد امپریالیستی قانون اساسی و همه مواعیدی است که خود در آغاز انقلاب به مردم داد بودند و باز این نمایش در شرایطی برگزار می شود که سنگینی بار خفقان و ترور بنحو دهشتناکی بر زندگی مردم میهنمان سایه افکنده است. این شرایط خود دمی و افشاگر نحوه انجام و اهداف حکومت در این انتخابات است.

رهبران جمهوری اسلامی، بطور عمدی و هدف رادراین عرصه دنبال می کردند:

نخست تشکیل مجلسی که هیچ صدایی از آن بنفع مردم و در اعتراض به سیاستها و سنگیری حکومت بنفع تجار با زار و دیگر همالکی های غارتگرشان بگوشت نرسد، مجلسی که قدرگرایانه بگوید:

درین آینه طوطی صفت داشته اند

هرچه استاد ازل گفت بگو، می گویم

و دوم انجام امر فوق به شکلی که بیتفاوتی و نارضایتی توده های مردم را بیش از پیش دامن نزد و تعداد بیشتری از مردم را به پای صندوق رای بکشاند.

بقیه در صفحه ۲

تقسیم اراضی و اردو نه!

آخرین پله های اریکه قدرت دست یافتند. امسال قرعه بنام "خودکفایی در امر کشاورزی" افتاده است. سوابق چ ۱۰ نشان می دهد، وقتی مرگوید، سال خودکفایی، در امر کشاورزی، منظورش، وابستگی بیشتر راقتصاد کشاورزی، افزایش واردات، کاهش تولید، تامین و تضمین اموال، ملاکین، پس گرفتن زمینهای روستائیان و تشدید مهاجرت روستائیان به شهرهاست.

هیأت حاکمه هیچوقت "بی گدار به آب نمی زند." برای دستیابی به این خواسته ها زمینه را فراهم نموده، پیش درآمد این آهنگ تکراری و ملال انگیز را در سالهای گذشته تنظیم کرده است.

بقیه در صفحه ۳

آقای رئیس جمهور سال ۶۳ را "سال ... تلاش برای خودکفایی در امر کشاورزی" خوانده و گفته است: "کشاورزان و روستائیان و کسانی که بکار کشاورزی علاقمندند نیز امسال را سال تحرک کشاورزی قرار دهند تا اولین قدمها را در راه خودکفایی مواد غذایی برداریم" (روزنامه چ ۱۰، فروردین) تاکنون نامگذاری هر سال از طرف چ ۱۰ اسم رمزی برای عدم تحقق آن مورد خاص بوده است. "سال قانون" تبدیل به سال زیر پا گذاشتن قانون اساسی گسترش خود ستری حکومت و گروههای وابسته به هیأت حاکمه شد. در "سال مستضعفین"، تنها کسانی که سرشان بی کلاه ماند خود مستضعفین بودند، مستکبرین در این سال به

۹ سال از شهادت رفیق بیژن جزنی و همزمان گذشت

در صفحه ۷

جنگ

منافع چه کسانی را "تحکیم" می کند؟

پاسداران گفت: "ما برای جمهوری اسلامی ... هیچ راهی جز اینکه در این جنگ به پیروزی قطعی برسیم، نداریم" و "راه این است که به پیروزی مطلق دست پیدا کنیم" و او به

بقیه در صفحه ۵

مردم ایران خواهان قطع جنگ خانمان برانداز و استقرار صلح هستند. ولی رهبران جمهوری اسلامی همچنان بر ادامه جنگ اصرار می ورزند. آقای رفسنجانی سخنگوی شورای عالی دفاع، در اوایل دی ماه خطاب به

فراریان افغانی

ابزار سرکوب و جنگ افروزی رژیم ایران

جهت حل و فصل مسایل موجود است. اما سردمداران جمهوری اسلامی که مصالح ملی را پایمال می نمایند، دست صلح طلبانه دولت

بقیه در صفحه ۹

جمهوری دمکراتیک افغانستان همواره خواهان برقراری روابط حسن همجواری با ایران بوده است. برقراری مناسبات مسالمت آمیز در خدمت رفع مشکلات مرزی ایران و افغانستان و در

در جشن سیزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان در سوئد

احزاب کمونیست و سازمانهای دمکراتیک همبستگی عمیق خود را با سازمان اظهار نمودند

در صفحه ۶

واردات ده برابر صادرات!

در صفحه ۲

عدم رسیدگی حکومت، تلفات و ضایعات سیل را چند برابر کرد

در صفحه ۴

امریکا در سازمان ملل رای می خورد

در صفحه ۱۱

اوضاع در کلر خانه و خانیت پس از اعتصاب

در صفحه ۴

متحد شویم! علیه کشتار و اختناق در ایران بپا خیزیم!

نگاهی به انتخابات

بقیه از صفحه اول

پیشبرد هدف نخست - تشکیل مجلس تجار و شرکا - با خود ملزوماتی به همراه داشت که موافقتی از آنرا حاکمان جمهوری اسلامی از مدت‌ها پیش آغاز نموده بودند. این ملزومات عبارتند از:

پیگرد و سرکوب جنایتکارانه و شقاوت‌بار سازمانها و احزاب مترقی و انقلابی.
ارباب، تهدید و تکفیر نیروهای سیاسی در پیرامون حاکمیت که حاضر نبودند بدین سرعت و قاطعیت حرفه‌ای گذشته خود را پس بگیرند، جهت معانعت از کاندیدا شدنشان.

و بالاخره تلاش برای رسیدن به یک توافق میان جناحهای مختلف حکومت در ارائه لیست واحد انتخاباتی.

البته برگزار کنندگان انتخابات قطعاً به اقداماتی نظیر جعل رای، تعویض صندوق، گذاشتن ضریب برای آرا افراد مورد نظر و... نیز مبادرت خواهند کرد.

اما گروه بندی‌ها و تشکلهای مختلف درون و پیرامون حاکمیت، در پی کشمکش‌های طولانی و در هراس از رشد بازهم بیشتر ناراضی‌های مردم، نتوانستند بر سر لیست واحد به توافق برسند. حامیان کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان، طرفداران غارت لجام گسیخته زحمتکشانشان، منظور خود را از کانال دیگری، شورای نگهبان - "دالان بهشت" - عملی نمودند.

از ۲۴۳ نفری که در تهران کاندیدای نمایندگی شدند - امیدی داشتند - کاندیداتورها حدود ۱۵۰ نفر تأیید شد. با توجه به اینکه تعداد زیادی نقش‌های لشکر را ایفا

می‌کنند، از هم اکنون با اطمینان می‌توان گفت که نتیجه انتخابات تعیین گشته است.

سران و هواداران بازار همه جمعند: عسکرا و لادیسلمان، توکلی، آمانی، پوراستاد، شفیق - مرید و معاون سابق عسکرا و لادی و بقول خود شفیق "فقیه الوزرا" - خاموشی و... "خلوت خاص است و جای امن و نزهتگاه‌هاست" در کنار این آقایان نورانی و در لیست تأیید شده باید با چراغ دنبال نام کاندیدایی مخالف غارت و دروغ و سازش و خیانت گشت.

هدف دوم حاکمان جمهوری اسلامی در "نمایش انتخابات" ، برگزاری ظاهر - آبرو مندان آن، جلوگیری از بی‌تفاوتی و نارضایتی اقشار بیشتری از مردم و جلب آنان به شرکت در انتخابات بود. در این زمینه تبلیغات گسترده‌ای نیز انجام پذیرفت که گویا

انتخابات آزاد است، هیچ کس حق دخالت در آنرا ندارد و... به همین منظور و بدنبال ناکامی در ارائه لیست واحد، دست به دامان دانشجویان نیز شدند. این روپرتافتگان از خلق کوشیدند با سوء استفاده از حیثیت و اعتبار نام دانشجویان در میان مردم که ثمره مبارزات ده ساله جنبش دانشجویی و دانشجویان انقلابی و میهن پرست کشور است. همان دانشجویانی که نسل کنونی آن اکثر اخراج و زندانی و در مواردی اعدام شده‌اند - مردم بیشتری را به پای صندوق و قها و دانشجویان خودی را به میدان بکشانند.

فخرالدین حجازی می‌گوید: "اگر شما در انتخابات شرکت نکنید خطرناک است. مردم به حرمت شما که اهل فهم و فکرید رای می‌دهند" (کیهان - ۲۵ اسفند).

در این زمینه کاندیداهای سیاهی لشکر هم کار ساز می‌شوند!

"هرچه کاندیداهای زیادتر باشند، میزان رای بیشتری می‌شود. ممکن است یک مقدار آرا را یک نماینده خاص پائین بیاورد. ولی در گسل هر قدر نفرت زیادتری کاندید شوند، میزان رای بالاتر می‌رود و این نتیجتاً و ملاً بنفع جمهوری اسلامی است" (کروبی، سرپرست بنیاد شهید - اطلاعات ۱۸ اسفند).

شک نیست که حاکمیت ج ۱۰ در کشاندن بخشهایی از مردم به پای صندوق‌های رای موفق خواهد بود. وجود دشمنی دموکراتیک و تصفیه در ادارت و موسسات دولتی، نیاز خیل عظیم جستجوگران کار، مشتاقان ورود به دانشگاهها و سایر اقشاری که بنحوی ریششان در گرواگانهای حکومتی است، به شناسنامه معهود به مهر - انتخاباتی و نیز جو ارباب و خفقان حاکم بر کشور از یک سو و سطح کنونی مبارزات و اعتراضات توده‌ای از سوی دیگر عواملی هستند که رژیم را در این زمینه یاری می‌دهند.

در قبال این نمایش انتخاباتی و برجسته‌سازی زمینه‌ایست که کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و کمیته مرکزی حزب توده ایران، مردم را به دادن رای مخالف به نامزد های ارائه شده از طرف حکومت دعوت کردند و رفیق قرخ نگه‌دار دبیر اول سازمان در بهمن ماه ۶۲ اعلام داشت:

"در این اوضاع و احوال، تکلیف مردم قبل از هر چیز آنست که از هر امکان و وسیله استفاده کنند که فساد، اعتراض، علیه خفقان و استبدادی که بر کشور سطره یافته است، بلندتر شود. مردم باید در هر کجا که هستند، اعتراض خود را علیه این نحوه برگزاری انتخابات بلند کنند و نشان دهند که مجلس آینده را قبول ندارند و به آن اعتقاد نخواهند کرد."

کشاورزی بود، بر اثر سیاستهای خانه خراب‌کن فعلی که ادامه همان سیاستهای رژیم شاه است، به شدت محتاج برنج و گندم و گوشت و... وارد شده از آمریکا، برزیل، آرژانتین و غیره است.

رهبران جمهوری اسلامی می‌گویند "دولت برنج دارد گندم دارد، همه چیز دارد" و البته این نکته را ناگفته می‌گذارند که برای اینکه بتوانند چنین اطمینان "ی" بدهند، کمر کشاورزی ایران را شکسته‌اند.

اقتصاد تک محصولی متکی بر فروش هر چه بیشتر نفت و وارد کردن هر چه بیشتر اجناس صحرایی از غرب، که جمهوری اسلامی رسالت خود را در حفظ و تحکیم آن میداند، رژیم شاه را با بحران فلج کننده اقتصادی مواجه ساخت، بحرانی که آن رژیم نتوانست از آن جان سالم بدر ببرد. اما رهبران جمهوری اسلامی ظاهراً به هیچ وجه مایل نیستند از تجربیات اسلاف خود درس بگیرند...

طبق این آمار، "صادرات کشور نیز در ماه مذکور بمیزان ۱۷۱۲۹ تن و به ارزش ۱/۷۶۸/۶۹۰/۰۰۰ ریال بوده است که در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۲۳/۲ درصد از نظر وزن افزایش و ۸/۸ درصد از لحاظ ارزش کاهش داشته است."

آمار فوق به روشنی افشاگر سیاست ضد ملی "دروازه‌های باز" است. در ماه بهمن ۶۲ (یعنی کمی پس از اعلام "جهاد تخلیه کالا") واردات کشور ده برابر (!) صادرات غیر نفتی بوده است. سیاست فروش نفت به هر قیمت و افزایش سرسام آور واردات کالاهای صحرایی، آنچنان آثار وخیمی بر تولید ملی باقی گذاشته است که تنها در عرض یکسال، صادرات غیر نفتی کشور ۸/۸ درصد کاهش داشته است. صادرات فرش ایران که زمانی پس از نفت از عده ترین منابع کشور بشمار میرفت تقریباً به صفر رسیده است.

ایران که زمانی صادر کننده محصولات

واردات ده برابر صادرات!

به گزارش روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۸ فروردین ۶۳، گمرک جمهوری اسلامی آمار صادرات و واردات کشور در یک ماه بهمن ۶۲ را در اختیار خبرگزاری جمهوری اسلامی قرار داده است.

بنا به این گزارش، "در ماه مذکور بمیزان ۱/۷۴۳/۶۰۸ تن کالا به گمرکات عمده کشور وارد و مقدار ۱/۸۳۰/۸۳۱ تن بازرگاری و مقدار ۱/۵۹۱/۳۲۶ تن به ارزش ۱۶/۹۵۷/۶۳۰ هزار ریال از گمرکات مختلف ترخیص شده است."

همچنین گزارش مذکور حاکی است "کالاهای ترخیص شده نسبت به ماه مشابه سال گذشته ۱۵/۵ درصد از نظر وزن و ۴۰/۵ درصد از لحاظ ارزش افزایش نشان میدهد."

کوتاهی، زمانی که درگیر بهای بالا گرفت آیت‌الله خمینی صریحا در برابر مجلس، جانب‌شورای نگهبان را گرفت و مجلس را به اطاعت از شورای نگهبان وادار کرد.

در همان زمان حتی روزنامه‌های حکومتی هر روز، نامه‌های زیادی از روستائیان به چاپ می‌رساندند که در آنها، دهقانان حمایت قاطع خود را از اجرای قانونی که دست فئودالها و بزرگ زمینداران را کوتاه کند، اعلام می‌نمودند. در این نامه‌ها دهقانان خشم خود را از بازگشت فئودالها، اعتراض خود را علیه محاکمه دهقانان حق طلب در دادگاههای انقلاب و دادگستری و فریاد خود راجع به آزادی فئودالها قاطعانه بیان داشتند. در این نامه‌ها وضع فلاکت‌بار روستاهای میهن، بیباری، فقر، بی‌سپیناهی، بی‌آبی و هزاران مشکل

تقسیم اراضی وارونه!

بقیه از صفحه اول

دهقانان پس گرفته شده و به او داده می‌شود. زمانی، آیت‌الله خمینی و دیگر رهبران جمهوری اسلامی می‌گفتند که "بایستی به مستضعفان توجه شود" می‌گفتند "انقلاب را کوخ نشینان کرده‌اند و کاخ نشینان هیچ‌حق ندارند" و می‌گفتند "به کشاورزان بگوئید، که ما نه طرفدار سرمایه دار هستیم و نه طرفدار فئودال" ولی امروز زحمتکشان می‌بینند که، در همان جمهوری اسلامی، تحت رهبری آیت‌الله خمینی عملا قانونا از غارتگری سرمایه داران و فئودالها حمایت می‌شود.

در ماههای آخر سال ۶۲ "طرح قانون اراضی موقوفه" از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت. در ماده واحده این طرح آمده است که: "از تاریخ تصویب این قانون کلیه موقوفاتی که بدون مجوز شرعی بفرش رسیده یا بصورتی به مالکیت درآمده باشد به رسمیت خود برمی‌گردد و اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است" همچنین در تبصره ۲ این قانون آمده است که: "کلیه املاک مزروعی که در اجرای قانون اجازه تبدیل به احسن و اگذاری دهات و مزارع موقوفات صوبه ۵۰/۲/۲ به زارعین صاحب نسق انتقال و بین آنان تقسیم شده با حفظ مصالح وقف، با متصرفین و زارعان صاحب نسق، با رعایت حقوق اقتصادی آنان، اجازه نامه تنظیم می‌شود." بدین ترتیب حکومت جمهوری اسلامی اقدام "رسمی و قانونی" برای بازپس گرفتن زمینهای دهقانان را آغاز کرده است. جمهوری اسلامی نه تنها اصلاحاتی نکرد و زمین به دهقانان نداد، بلکه حتی زمینهایی را که دهقانان در رژیم وابسته شاه بسیار مبارزه خود گرفتند، می‌خواهد تاحد ممکن از آنان پس بگیرد! "طرح قانون اراضی موقوفه" تحت پوشش "شرع" می‌خواهد زمینهای روستائیان در نتیجه سالها مبارزه خود با رژیم سرسپرده شاه و ایدئولوژیست آورده بودند را هم از چنگ آنان خارج کند.

این طرح می‌گوید دهقانانی که "صاحب نسق" بوده‌اند، دهقانانی که چندین نسل بر روی زمین معینی کار کرده‌اند و طی سالیان دراز کار طاقت فرسا و مبارزه بی‌امان، حق را بدست آورده‌اند و به این اعتبار زمینهای "بین آنان تقسیم شده"، از نظر حکومت مالکیت‌شان شرعی نیست و براساس این "قانون" خود سرانه، اعلام می‌کنند "اسناد مالکیت صادر شده باطل و از درجه اعتبار ساقط است". تبصره‌های بعدی این قانون خیلی روشن، به فئودالها و زمینداران بزرگ راه نشان می‌دهد که چگونه می‌توانند، در جمهوری اسلامی و تحت قوانین آن، زمین را به نحو "شرعی" در عین حال "قانونی" از دست دهقانان خارج کنند. مثلا تبصره ۴ این طرح می‌گوید: "در مواردی که جهت مورد نظرها و اوضاع تغییر یافته باشد، بایستی به نظرها و اوضاع عمل شود". یعنی وقتی واقف (فئودال و بزرگ مالک) می‌گوید که نظرش عوض شده و آنگاه زمین از



دیگر این زحمتکشان میهن بازگوشده نبود. ولی رهبری جمهوری اسلامی با اطلاع کامل از این وضعیت، آگاهانه شورای نگهبان را تأیید کرد که در واقع نگهبان منافع سرمایه‌داران و زمینداران است.

سازمان ما از همان ماههای اول پس از پیروزی انقلاب اعلام کرد که حل مساله ارضی از عده‌ترین مسایلی است که دردستور انقلاب ما قرار دارد. ما گفتیم که این مساله بطور عمده و اساسی در گرو برانداختن بزرگ مالکی و سپردن زمین به کسانی است که روی آن کار می‌کنند.

ما بارها گفتیم که هرگونه تردید و تزلزل در این راه جز تقویت مواضع ضد انقلاب و خلع سلاح کردن انقلاب معنی دیگری ندارد. ما جدا هشتاد و دادیم که ادامه ناپیگیری و معاشات جز تکلیف به مواضع غارتگران هیچ سرانجام دیگری نخواهد داشت.

بقیه در صفحه ۹

امروز کارگران و دهقانان می‌بینند که نه تنها هیچ کاری در جهت خواسته‌های برحق‌شان انجام نشده، بلکه روز بروز در تنگناهای اقتصادی - اجتماعی شدیدتری قرار می‌گیرند.

از آن زمان که آیت‌الله خمینی دستور متوقف ماندن بند های "ج" و "د" قانون اصلاحات ارضی مصوب شورای انقلاب را صادر کرد، بزرگ مالکان گام بلندی برای به کرسی نشاندن خواسته‌های خویش در حکومت برداشتند. در آن زمان دهقانان از طریق گوناگون صدای اعتراض خود را علیه به اجرا در نیامدن این طرح بلند کردند، ولی فریاد دهقانان بجای نرسید.

"لایحه احیاء و واگذاری اراضی مزروعی" نیز که در سال ۶۱ از تصویب مجلس شورای اسلامی گذشت، توسط شورای نگهبان منتخب آیت‌الله خمینی رد شد. پس از مدت

املاک بزرگ مالکان باید بین دهقانان تقسیم شود

اخباری از میهنمان

دلیل عدم حضور کارمندان در سرپرستیهای

خود، تعطیل شد. بهای بلیط اتوبوس از باختران به تهران در بازار سیاه به ۱۰۰۰ تومان رسید و کرایه مینی بوس درست از همین

شهر به تهران به بیست هزار تومان بالغ گردید. تعداد کثیری از اهالی شهر در

ارتفاعات کوهستانی اطراف باختران، از جمله در

طاق بستن چادر زدند. جو حاکم بر اغلب این

شهرها حاکی از نارضایتی مردم از جنگ است.

مردم به حکومت پرخاش می کردند. همان

مردمی که در روزهای اول جنگ و نازمانی

که جنگ خصلت دفاع از منافع آنها و یکپارچگی

میهن آنها را داشت، از هیچ ایثارگری در راه

دفع تجاوز و دریغ نمی کردند، اینک درست به

دلیل آنکه ادامه این جنگ خانمان سوز و

بی فرجام برخلاف منافع خود آنها و مصالح

ملی است، از آن نفرت دارند.

اعتراض روستائیان فارس

به پس گرفتن زمینها

در روستاهای فارس شکایات زیادی در

اعتراض به باز پس گرفتن زمینها توسط بزرگ

مالکین و با حمایت نهادهای حکومتی، برای

شورای عالی قضایی ارسال شده است. در

این روستاها قحطی، کم آبی و مرگ و میر

دامها کم کم دارد به مسالهای جدی تبدیل

می شود.

نیز در سیاهچالها و فراموشخانه های رژیم

پدیده ای رایج است. خبرهای رسیدن از

زندانیهای اوین، اهواز و دیزل آباد باختران

حاکمیت و کیفیت غذا در این سه زندان

بسیار نازل است. لاجوردی در پاسخ به

اعتراض برخی از زندانیان به وضع غذا گفته

است: "توقعتان زیاد است. مردم دریغ

شهادتی دهند و شما انتظار پذیرایی از ما

دارید؟" وی قبلاً نیز در پاسخ به

اعتراض برخی از زندانیان نسبت به کمبود جا

گفته بود می توانید تعدادی داوطلبانه اعدام

از سوی مردم

ترک شهرهای مناطق جنگی

در جریان حملات جنایتکارانه مقابل

رئیسهای ایران و عراق به شهرهای دو کشور

در اواخر سال ۶۲، که منجر به کشته شدن

دهها تن از سکنه غیر نظامی این شهرها گردید،

رژیم جنایتکار عراق تهدید به بمباران ۱۱ شهر

ایران نمود. این امر باعث شد که مردم برخی از

این شهرها وحشت زده خانه و کاشانه خود را

رها نمایند. در ایلام و باختران اعتراضات به

اوضاع در کارخانه دخانیات

پس از اعتصاب

همانگونه که قبلاً نیز اطلاع دادیم،

کارگران شرکت دخانیات با مطرح کردن اضافه

حقوق دست به اعتصاب زدند. در جریان اعتصاب،

بایورش ارگانهای سرکوب رژیم جمهوری اسلامی

به کارخانه، حدود ۴۰ نفر از کارگران با سابقه

دستگیر و و کارگران اخراج شدند. هنگام

اعتصاب از اعضای بسیج بجای کارگران استفاده شد

و در نتیجه، بدلیل آشنایی آنها با نحوه

کار ماشین آلات کارخانه، تعدادی از ماشینها

سوخته و از کار افتاده است. کارگران با این

شرط که ساعات کار به ۸ ساعت در روز تقلیل یابد

(پس از اعتصاب مدت کار را به دو شیفت ۱۲ ساعته

تغییر دادند) و زندانیان آزاد کردند، به

سرکار بازگشته اند. تا مدتی پس از اعتصاب

نیز اطراف کارخانه توسط سپاه کنترل می شده

است.

"پذیرایی" جلادان

از زندانیان سیاسی

علاوه بر وجود شکنجه های جسمی

روحي در زندانهای جمهوری اسلامی، گرسنگی

عدم رسیدگی حکومت،

تلفات و ضایعات سیل را

چند برابر کرد

در روزهای اول سال ۱۳۶۳ در مناطق

وسیع از کشورمان درخوستان، یزد،

خراسان و کهگیلویه و بویراحمد سیل جاری

شد. در اهواز پراثر بارندگی های شدید که از

۲۹ اسفند ۶۲ آغاز شده بود، مناطق مسکونی

آسیب دید، خطوط مخابراتی تلفن شهری

خود سیل، بیش از همه ناشی از کمبود امکانات

ایمنی است. در حالیکه می توان ابعاد فجایع

طبیعی را - مثلاً با ساختن سد در مناطقی که

معمولاً در معرض جاری شدن سیل هستند -

به حداقل رساند، حکومت در اینگونه موارد

کوچکترین گامی برنداشته است.

مردم زحمتکش و بخصوص روستائیان که

بقد رکافی ازستم طبقاتی و محرومیت های اجتماعی

رنج می برند، باید مصایب اینگونه فجایع را نیز

بطور مضاعف متحمل شوند.

دچار اختلال گردید و آب آشامیدنی شهر

کل آلود شد. در ماهشهر ۴ روستا در محاصره

آب قرار گرفتند. همچنین در خراسان (منطقه

قاین) احشام روستائیان طعمه سیل شدند و

خسارات مالی زیادی ایجاد شد.

مصایب سیل های اخیر بیش از همه دامنه

روستائیان محروم میهن ما را گرفته است. ۷۰ تن

از مردم زحمتکش روستاهای بهبهان در این واقعه

جان خود را از دست دادند.

بالا بودن تلفات و خسارات به نسبت ابعاد

جنگ منافع چه کسانی را "تحکیم" می کند؟

بقیه از صفحه اول

فرماندهان سپاه پاسداران گفت که با يك حرکت سریع و کوبنده این امر هر چه زودتر باید صورت گیرد "او همچنین اظهار داشت: "اگر این جنگ ۲۰ سال دیگر هم طول بکشد، توان مقابله با آن را داریم" این اولین بار نیست که رهبران جمهوری اسلامی قصد خود را برای ادامه جنگ حتی تا بیست سال و از آن پیشتر هم اعلام می کنند. آنان ابایی ندارند از اینکه برای ادامه جنگ، اقتصاد کشور را کاملاً ویران کنند، نفت کشور را با باقیمت های ارزان جهت تحصیل ارز و خرید اسلحه در بازارهای دنیا بفروشند، جوانان را دسته دسته به قتلگاه ها بفرستند و زندگی مردم را به سیاهی بکشند. رهبران جمهوری اسلامی تاکنون برای "پیروزی مطلق" در جنگ چندین شهروند هاروستا و هزاران واحد تولیدی را نابود کردند و آماده انسداد بهای به مراتب بیشتری هم بپردازند. آنان تا جایی پیش رفته اند که خرید اسلحه از آمریکا را واجب تر از نان شب برای مردم "می شمارند" و قرارداد اسارتی ۲۰ میلیارد دلاری شاه خائن با امپریالیسم آمریکا را می خواهند احیا کنند. رهبران جمهوری اسلامی امروز آماد دارند تا با باجهای کلانی به انحصارات غارتگر کشورهای اروپای غربی و آمریکا بدهند تا برای ادامه جنگ خانمان برانداز اسلحه تامین نمایند. رهبران جمهوری اسلامی برای توجیه این فجایع عظیم و تاراج دست و پاها و انقلاب برای مردم، به انواع دروغ و حيله متوسل می شوند. آقای رفسنجانی بعد از خاتمه جلسه شورای عالی دفاع دردی ماه از "اثر محنوی که در جنگ بوجود می آید" صحبت می کند و می گوید "زچهل ماه پیش که جنگ شروع شده به اندازه چهل ماه حالت تکاملی تثبیت و وضع را دارد" و "این جنگ از طرف آنان (یعنی دولت عراق) فرسایشی است و از طرف ما تحکیم است". باید پرسید که این جنگ واقعا به "تحکیم" و "تثبیت" چه چیزی خدمت کرده و چه را فرسوده است؟ این جنگ تنها به گسترش حضور نظامی امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیست ها در منطقه خلیج فارس و حل تضادهای درون حکومت جمهوری اسلامی به سود راست گم کرده است. این جنگ جز سود مطلق برای صهیونیستها و جز خسارت و آسیب جدی برای مردم ایران و عراق و جنبش ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی در منطقه چیز دیگری ببار نیاورده است. البته این جنگ ویرانگر برای تجار بزرگ و غارتگران هم کاسه آنها

که "استوانه" جمهوری اسلامی نامیده می شوند واقعا پریرکت بود و به تحکیم آنها در حکومت یاری اساسی کرد. مردم دیدند (و می بینند) که رهبران جمهوری اسلامی به بهانه ادامه جنگ، وعده هایی را که به مردم داده بودند، یکی پس از دیگری پس گرفتند. مردم می بینند که کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان برندگان اصلی این جنگ هستند. با هیچ تضر ویری نمی توان از مردم پنهان کرد که در طول جنگ خانمان برانداز "تجار بازار" هم جیب خود را پر کردند و زحماتشان را به تباهی کشاندند، و هم مواضع خود را در حاکمیت "تحکیم" کردند و پایه های سیاست راست را محکم ساختند.



مردم ایران در شعار "پیروزی مطلق" و ادامه "جنگ تا ۲۰ سال دیگر" نابودی آن چیزهایی را می بینند که، در طی انقلاب باخون گرامی ترین فرزندان خود و با بیکار عظیمشان بدست آوردند. جنگ فرسایشی تاکنون صدها هزار نفر از جوانان میهن ما را از آغوش خانواده ها ربوده است و امروز نیز جنگ چون اژدهای سیری ناپذیری برای ادامه حیات خود می خواهد صدها هزار نفر دیگر از جوانان کشور را به کام خود بکشد. مردم در سیمای

جنگ جز کشتار فرزندان و جز خرابی فقر، گرانی و تورم، دریدری چیز دیگری نمی بینند.

مردم دیگرامیدی برای خاتمه بخشیدن به جنگ از جانب رهبران جمهوری اسلامی ندارند. امروز قطع جنگ و استقرار صلح امر مهم و حیاتی ماست. مبارزه گسترده علیه سیاست ادامه جنگ و سردمداران آن و بسیج توده ای مردم جهت تامین صلح و وظیفه همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه است.

مردم کشورمان دیگر به این امر واقفند که رهبران جمهوری اسلامی نمی خواهند جنگ را پایان دهند. آنان بدستی به این نتیجه می رسند که مسبب اصلی ادامه جنگ ایران و عراق رهبری جمهوری اسلامی است. به همین جهت رهبران جمهوری اسلامی با هیچ تلاشی نمی توانند حمایت مردم را از جنگ خانمان برانداز جلب کنند. امروز مبارزه برای پایان بخشیدن به جنگ در میان اقشار وسیعی از توده های مردم گسترش می یابد. مردم به اشکال گوناگون در مقابل سیاست های جنگ طلبانه ایستادگی، و صدای اعتراض خود را بلند می کنند. شکردهای جدید جمهوری اسلامی برای بسیج مردم جهت ادامه جنگ، در مقابل امتناع مردم از رفتن به جبهه های جنگ، شکل گرفته است. مامورین رژیم به کارخانه ها، مغازه ها، ادارات روستاها و مزارع با سرنیزه یورش می برند تا جوانان را جمع کنند و رهسپار جبهه های مرگ نمایند. ولی رژیم در این تلاشهای بی سرانجام نیز ناکام می ماند. مردم دیگر نمی پذیرند که قربانی اهداف ماجراجویانه رژیم در جنگ ایران و عراق شوند. مردم آگاهانه از رفتن به میدانهای جنگ سر باز می زنند. تظاهرات مردم در شهرهای جنوب جلوه دیگری از مبارزه آنان علیه ادامه جنگ می باشد. در زفول، مسجد سلیمان و دیگر شهرهایی که مورد اصابت موشکهای صدام خنیاکار قرار گرفته اند، مردم علیه ادامه جنگ به تظاهرات دست زدند و خواستار پایان بخشیدن به جنگ

بقیه در صفحه ۷

جنگ را قطع کنید! مردم صلح می خواهند

در جشن سیزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان در سوئد احزاب کمونیست و سازمانهای دمکراتیک همبستگی عمیق خود را با سازمان اظهار نمودند

خوانده شد • این برنامه با قرائت پیامهای همبستگی احزاب و سازمانهای یاد شده به سازمان ما ادامه یافت •
در بخشهای هنری این جشن، گروه رقص هواداران سازمان در سوئد رقصهای ملی خلقهای میهنمان را بنمایش گذاشتند و چند آهنگ انقلابی اجرا گردید • گروههای هنری انقلابی از کشورهای بولیوی و شیلی نیز به شرکت در این جشن و انجام برنامههای هنری مختلف همبستگی عمیق خود را با سازمان ما اعلام کردند •

رفیق انتون نیلسون که یکی از قدیمیترین و مسن ترین (۹۶ ساله) افراد ضد امپریالیست و مترقی سوئد است، در بخش پایانی جشن سخنرانی کرد و سالگرد تولد سازمان را تبریک گفتو برای سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) و حزب توده ایران در راه مبارزاتشان آرزوی موفقیت کرد •

آغا ز چهاردهمین سال زندگی پرافتخار و بالنده سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) را تبریک گفتند • نمایندگان احزاب و سازمانهای شرکت کننده در این جشن با صدور قطعنامه ای توطئه تدارک "غیر قانونی" اعلام کردن سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) که اعضا و هواداران آن مدتهاست تحت شدیدترین پیگرد های پلیسی قرار داشته اند و اکنون گروهی از آنها در زندانهای جمهوری اسلامی زیر شکنجه و شلاق هستند شدیداً محکوم کردند و خواستار قطع سرکوب انقلابیون و همچنین محاکمات فرمایشی شدند • در این قطعنامه توطئه "سیا" ساخته سرکوب حزب توده ایران و شکنجه و اعدام اعضا و هواداران آن قویاً محکوم گردیده است •
برنامه سیاسی این جشن با خواندن پیام کمیته مرکزی سازمان به اعضا و هواداران سازمان فدائیان خلق ایران آغاز گشت و سپس پیام شاد باش کمیته مرکزی حزب توده ایران، بناسبت سیزدهمین سال پایه گذاری سازمان

جشن سیزدهمین سالگرد پایه گذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) روز جمعه ۱۴ بهمن (۳ فوریه) در "خانه مردم" استکهلم برگزار گردید • سازمانهای سوئد حزب کمونیست عراق، جبهه خلق برای آزادی فلسطین، حزب کمونیست فلسطین، کمیته ایجاد یک فلسطین دمکراتیک و همچنین حزب کارگران کمونیست سوئد، هیئت تحریریه پرچم شفق شمال ارگان حزب کارگران کمونیست سوئد، بخشهای شمال و گوتنبرگ، حزب کمونیست سوئد (بخشهای شمال و گوتنبرگ)، سازمانهای جوانان حزب کارگران کمونیست (لولو، امثو)، سازمانهای جوانان حزب چپ کمونیست (منطقه شرق و گوتنبرگ)، کمیته صلح سوئد، کمیته صلح گوتنبرگ و امثو، اتحادیه مترقی ترکیه در سوئد، اتحادیه دانشجویان عراقی در سوئد، اتحادیه دانشجویان کرد در اروپا (بخش سوئد)، انجمن زنان کرد در سوئد و حزب کمونیست اروپا با ارسال پیامهایی به همین مناسبت

ما در انتظار مقالات دیگر شما هستیم •

• ایتالیا: رفیق عزیز، ترجمه مقاله "شیلی" رسید • از اینگونه مطالب باز هم برای ما بفرستید •
• پاکستان: رفیق پ - ترجمه های شما رسید •

• از هندوستان: رفیق بابک برای ما مقاله و رفیق مزدک چند شعر و دو ست دیگری که اسم خود در انتوشته است چند طرح برای ما فرستاده اند • از مطالب رسیده استفاده خواهد شد •

• آمریکا: رفیق آ • مقاله تئوریک "بررسی اجمالی" شما رسید کوشش کنید برای ما مقالات سیاسی کوتاه بفرستید •

• از فرانسه: ترجمه های زیادی بدستمان رسیده است که تلاشهای رفقا ستودنی است • از رفقای خواهم ترجمه از منابع معتبر را سریعتر برای ما بفرستند • ما منتظر ترجمه مقالات مربوط به ایران از نشریات دیگر هستیم •

• از اسپانیا: اشعار "نوید" و "آئینه بهروزی" و قصه کوتاه "محاکمه" و چند طرح بدستمان رسید • در انتظار آثار دیگری از رفقا هستیم •

• دو ست عزیز خسرو، مقاله شما رسید • کوشش کنید با دقت بیشتری مقاله بنویسید •

• از ژمنیه فرانسه، چند ترجمه و یک مقاله بدستمان رسید •

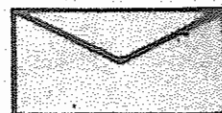
هستند، ولی به موضوع مقاله شما ارتباط کمی دارد •

۳ - در یک مقاله هیچ لزومی ندارد همه مسایل جامعه ما مورد بررسی قرار گیرد • در مقاله ای که به بررسی "سیستم جدید بانکی" اختصاص دارد باید در مقدمه، متن و نتیجه گیری مقاله هم همین موضوع را مورد توجه قرار داد، به همین علت آوردن سیر انقلاب و روند پایمال کردن دستاوردهای آن توسط رهبران چ ۱۰۱۰ در مقدمه هر مقاله ای به توضیح موضوع آن مقاله کفایت نمی کند • وظیفه ما افشاء نمودهای چرخش پراست رژیم چ ۱۰۱۰ می باشد که بررسی کلی آن توسط سازمان انجام یافته است •

۴ - در تنظیم داده های تحقیق برای بررسی خود در یک مقاله باید بدون صغری و کبری چیدن زیاد "فاکتی" نقل شود که مقاله را جهت می دهد، یعنی نکته مهمی که مشاهده شنیدن و یا خواندن آن انگیزه بررسی پدیده هایی در چارچوب یک موضوع ویژه قرار گرفته است، در سطور آغازین مقاله آورده شود •

۵ - در نوشتن مقاله خود از آخرین اخبار و رویدادها استفاده کنید و سریع به نشریه "اکثريت" بفرستید • واضح است مقاله ای که وقایع خیلی دور به امروز ما مورد بررسی قرار دهد کمتر ارزش خبری - سیاسی دارد تا مقاله ای که مسایل روز در آن مورد توجه قرار می گیرد •

نامه های خوانندگان



• انگلستان: رفیق مزدک مقاله "نظری به سیستم جدید بانکی" شما به دستمان رسید • یادآوری چند نکته درباره مقاله شما برای سایر رفقا نیز مفید است •

۱ - کوشش کنید برای ما، مقالات کوتاه تهیه کنید • مقاله ۷، ۶ صفحه ای و بیشتر بندها می تواند مورد استفاده نشریه "اکثريت" قرار گیرد •

۲ - در یک مقاله فقط یک موضوع پروراند می شود • اگر شما در روند رویدادها و بنا کنار هم گذاشتن پدیده های مختلف در جامعه به یک نتیجه گیری - رسیدید، باید در مقاله خود آن نتیجه گیری را بیان کنید و فاکتهایی که در مقاله می آورید، در جهت توضیح نتیجه گیری بدست آمده باشد بر همین اساس باید از آوردن فاکتهای دیگر حتی اگر خیلی مهم و جالب باشند ولی رابطه تنگاتنگی با نتیجه گیری و موضوع مقاله نداشته باشند، خودداری کرد • بعنوان مثال آوردن فاکتهایی نظیر گفتگوی آیت الله خمینی با عسکر اولادی در مورد انتخابات و یا صاحب هاشمی و زیر صانع در مورد اینکه ۹۵٪ از صنایع ما وابسته است، با اینکه هر یک رویداد مهمی

۹ سال از شهادت رفیق بیژن جزنی و هم‌زمان گذشت



شخصیت جزنی از یک رهبر جنبش دانشجویی به رهبر جنبش فدائیان خلق تکامل یافت. جزنی که یک بار در سال ۴۴ و بار دوم در دی ماه ۴۶ دستگیر شد، زندان را به دانشگاه عناصر مبارز تبدیل کرد. رفیق فرخ نگهدار قدیمی ترین هم‌زمان جزنی درباره او می‌گوید:

"(هم‌زمان بیژن) در جریان سالها زندگی با او به این نتیجه قطعی دست یافته بودید که رفیق از هر تئوری علمی و از اصول مارکسیستی که بدان آگاهی می‌یابد، دفاع می‌کند و تحت تاثیر شرایط و موقعیت‌های خاصی که پدید می‌آید، اصلیت و وجدان علمی و مارکسیسم - لنینیسم را فدای بهره‌گیری از موقعیت نخواهد کرد."

دفاع پیگیر بیژن از آموزش داهیان لنین درباره موقعیت انقلابی و مبارزه او با انحرافات چپ‌روانه در صفوف جنبش، احترام او از در غلتیدن به دام تبلیغات ضد شوروی، موضع او در قبال حزب توده ایران نسبت به سایر هم‌زمان خود و بالاخره ارزیابی جزنی از دستگاه

۳۰ فروردین سالگرد واقعه ترور جنایتکارانه و ناجو انحرافه فدائیان خلق، شهدا بیژن جزنی، حسن ضیا، ظریفی، عباس سورکی، سعید کلانتری، عزیز سرمدی، احمد افشار و محمد چوپانزاده و مجاهدین خلق، شهید اکاظم ذوالانور و مصطفی جوان خوشدل بدست درخیمان ساواک است.

روزنامه‌های ساواک زده آن زمان، متن دروغی را منتشر کردند که براساس آن، "زندانی در حال فرار کشته شده بودند". همان روزها، آنهایی که رفیق بیژن جزنی و همراهان او را می‌شناختند، فهمیدند که ادعاهای رژیم دروغ‌ریزانانه‌ای بیش نیست و ساواک این شهید را وحشیانه ترور کرده است. عاقبت نیز از این جنایت دربرده ابهام باقی نماند و تهرانی‌های شکنجه‌گر ساواک، در دادگاه چگونگی اجرای این جنایت‌تکان‌دهنده را تشریح کرد. مردم جزئیات و حشیک‌گرایی را که در این انجام می‌گرفت، دیدند و شنیدند.

بدون تردید شخصیت انقلابی رفیق بیژن جزنی در میان مبارزانی که به دست رژیم شاه شهید شدند، از درخشندگی و برجستگی ویژه‌ای برخوردار است. رفیق جزنی که فعالیت سیاسی را در سال ۱۳۲۸ در صفوف سازمان جوانان توده ایران آغاز کرد، از معدود مبارزانی بود که با رقه‌ای از تجارب جنبش ضد امپریالیستی سالهای ۲۰ تا ۳۲ و نیز تجارب انقلابی جنبش طبقه کارگر در این دوره را به نسل نوین انقلاب بیون چپ که در دهه چهل پیش از پیش به عرصه مبارزه علیه دیکتاتوری شاه گام می‌نهادند، منتقل کردند. با توجه به جو عمومی که در آن زمان در صفوف گروه‌های مبارز حاکم بود، شهید جزنی در تئوری و سیاست، پیشگام هم‌زمان خود بود.

۹ زندانی در حال فرار کشته شدند

امروز مقامات انتظامی اعلام کردند چهار زندانی که قصد فرار داشتند کشته شدند.

طبق اعلام مقامات مزبور تعدادی از زندانیان ماجراجو در داخل زندان مبارز تهرانیک با زندانیانی نبودند. مقامات به زندان تصور گرفتند آنها را به زندان دیگری منتقل نمایند. هنگامی که اتوبوس حامل زندانیان مورد پوشش انتقال آنان به زندان دیگر در حرکت بوده زندانیان ضمن حمله به اتوبوس مستقر در اتوبوس زندان و خروج کردن دو نفر از آنان موفق به فرار از اتوبوس خارج و میانه راه فرار شدند که در این موقع دو نفر مستقر در اتوبوس متعاقب اتوبوس می‌مورس

که مأموریت مراقبت و حفاظت از اتوبوس را بر عهده داشتند اقدام به تیراندازی به طرف زندانیان فراری نموده و در نتیجه چهار زندانیان به قتل رسیدند. کشته‌ها موفق به فرار نگردیدند و وضع مزاحم دو نفر از مأمورین زندان تصور گرفتند آنها را به گارده سایر مأمورین قرار گرفته رضایت بخش است. اساسی زندانیان یاد شده به شرح زیر است:

- ۱- محمد چوپان زاده ۲۰
- ۲- احمد جلیل افشار ۳۰
- ۳- عزیز سرمدی ۴۰
- ۴- بیژن جزنی ۵۰
- ۵- حسن ضیا ظریفی ۶۰
- ۶- کاظم ذوالانور ۷۰
- ۷- مصطفی جوان خوشدل ۸۰
- ۸- شوق کلانتری ۹۰
- ۹- عباس سورکی

روحانیت شیعه، ژرف اندیشی و تیزبینی سیاسی او را نشان می‌دهد.

رفیق بیژن جزنی برای همه فدائیان خلق و همه مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی نوعی تسلیم ناپذیری و سرمشق فداکاری و جانبازی در راه خلق است.

سی ام فروردین، همچنین روزی است که در آن خون فدایی و مجاهد در رزم مشترک علیه دشمنان خلق درهم آمیخت. رژیم شاه بابیه شهادت رساندن ۷ فدایی و ۲ مجاهد، نشان داد که از این فرزندان دلیر خلق سخت بیمناک است.

در نهمین سالگرد شهادت رفیق جزنی و هم‌زمان او، یاد آنها را با تجدید عهد در ادامه راهشان، گرامی می‌داریم.

و شخص آیت‌الله خمینی مسئولیت اصلی این ویرانگری همه جانبه را، بعهده دارند و خود برعهده گرفته‌اند. مردم ما باز هم روشنتر باید بدانند که نیروی صلح خودشان و سازمانهای انقلابی و میهن پرست مدافع آنها هستند و آنچه حکومت می‌خواهد، فقط و فقط ادامه جنگ است. مردم ما بیش از پیش پیوستگی سیاست ادامه جنگ و سیاست ضدیت با منافع خود را باز می‌شناسند و در راه آشکار کردن هر چه بیشتر و گسترده تر مبارزه خود پیش می‌روند.

ادامه جنگ و سردمداران آن و بسیج تودم‌های مردم جهت تأمین صلح و وظیفه همه نیروهای انقلابی و ترقیخواه است.

سیاست ادامه جنگ، کسانی را که از این جنگ سود می‌برند، سردمداران حکومت کفایت جنگ را می‌خواهند به قیمت ادامه دهند و نقش و مسئولیت رهبری جمهوری اسلامی در افروختن و افروخته ماندن این شعله ویرانگر را باید هر چه وسیعتر برای مردم توضیح بدیم مردم باید بدانند که رهبری جمهوری اسلامی

بقیه از صفحه ۵

جنگ

شدند. دستگیریهایی مأمورین سرکوب نیز نتوانسته است صدای اعتراض آنان را خاموش سازد.

مردم دیگر آمیدی برای خاتمه بخشیدن به جنگ از جانب رهبران جمهوری اسلامی ندارند.

امروز قطع جنگ و استقرار صلح امر مهم و حیاتی ماست. مبارزه گسترده علیه سیاست

پیش بسوی تشکیل جبهه متحد خلق

در حاشیه

"دیوسپید" در خوان هفتم است!

روایت فردوسی را دربارۀ "هفت خوان" می‌گذرد، احتمالا شنیده و یا خوانده اید. اکنون "هفت خوان" حکومت برای کاندیداهای انتخابات به روایت مدیرکل انتخابات کشور رادر جراید روزه فردین بخوانید. مصطفی تهرانی می‌گوید: "این تعداد (ثبت نام کنندگان برای نمایندگی دومین دوره انتخابات مجلس) به ۱۱۰۰ نفر رسیده است. ۱۰۰۰ اسامی ثبت نام کنندگان پس از بررسی در پنج مرجع ذیصلاح و کنترل، جهت تأیید نهایی به شورای نگهبان ارجاع می‌شود." ه مرجع کنترل بعلاوه شورای نگهبان (به قول یکی از اعضای آن، دالان بهشت) می‌شود. شش خوان، اگر سخنان رهبران ج ۱۰۱۰ را بیاد بیاوریم کعبه گفته اند، "اگر خدای ناکرده افراد نابابی به مجلس راه پیدا کنند، اعتبارنامه آنها تصویب نمی‌شود." "دیوسپید" بنام "تصویب اعتبارنامه" در خوان هفتم ایستاده است. نتیجه گذشتن کاندیداهای هفت خوان مشخص است. کاندیداهایی که از این هفت خوان بگذرند و به هفت آب شسته شوند، نمایندۀ مجلس می‌شوند که بابا زار و شورای نگهبان برخوان یغما می‌کشند و هیچ بگو-مگویی در بین آنان نخواهد بود.

"کجاند حال ماسبکباران ساحل ها"

داستان "بشاگرد" حتماً یادها باقیست، که دو سال قبل آقای رفسنجانی می‌گفت، مردم آنجا بحدی فقیر هستند که فرزندان آنها در صحرا به چرای علف می‌روند و اعتراض می‌کرد که چرا کسانی که شکایت مالکین و سرمایه داران را گوش می‌کنند از چربیدن بشاگردیها غافلند. آقای اردبیلی هم سال قبل می‌گفت: "فردا دیراست امروز باید کاری کرد." البته امروز دیگر دعوای دیروز پایان یافته و اکنون تنها "کسانی" نیستند که خواسته های سرمایه داران و مالکین را جامه عمل می‌پوشانند بلکه رژیم ج ۱۰ که خدمت به یازار ملاکین رابسته است.

بشاگردیها امروز نه تنها از فرط گرسنگی در صحرا علف می‌چرند، بلکه به بیماری جذام نیز مبتلا شده اند. موسوی اردبیلی روز ۵ فروردین در ضمن دیدار از زهرمرگان و شرکت در مراسم صبحگاهی در ناوگان خلیج فارس سری هم به بشاگرد زده است.

"رئیس دیوان عالی کشور پس از حضور در جمع اهالی ضمن گفتگو و آشناسدن با مسایل و مشکلات متحد آنها بویژه بیماری خانمانسوز جذام که در اثر نبودن امکانات اولیه بهداشتی، در حدود ۲۰۰۰ نفر دچار این بیماری می‌باشند، رهنمودهایی ارائه داد. ۵۰۰ وی همچنین در زمینه ساختن مسجد در این مناطق که جزو خواسته های اولیه اهالی می باشد، رهنمودها می به مسئولین ارائه داد." (کیهان ۷ فروردین)

برای ساختن مسجد برای رعایت و احترام به اعتقادات مردم مسالهای ایجاد نکرده است. واضح است اولین خواسته اهالی بخشی کسه از فقر و نداری و گرسنگی علف می‌چرند و ۲۰۰۰ نفر از آنها مبتلا به بیماری جذام شده باشند، دکتر است تا معالجه شوند، زمین است تا پرووی آن کار کنند و گرسنه نمانند. هیات حاکمه کسه نمی‌خواهد کاری برای مردم کند، چنیین شاید انه از اعتقادات مذهبی مردم سوء استفاده می‌کند.

"سوراخ دعا را گم کردن" ج ۱۰ در مورد بشاگردیها، شعر عطار را بیاد می‌آورد که می‌گوید:

آن شنیدم که رفت نادانی
بعیادت به درد دندانی
گفت باد است زین میباش غمین
گفت آری ولی بنزد تو ایمن
بر من این درد کوه فولاد است
چون تو ز آن فارغی تو را یاد است

سدسازی آقای استاندار

مهندس طاهری استاندار تهران می‌گوید: "من از همروستائیان و ساکنین شهرهای کوچک تقاضا دارم که گول ظاهر فریبنده شهر تهران را نخورند. قبل از مهاجرت به مشکلات عدیده مهاجرین در زمینه تهیه دفترچه بسیج اقتصادی، مسکن، آب، ذهاب، شغل و غیره در شهر تهران بیندیشند." روستائیان محروم کشور ما در میان گزاین قرار گرفته و استخوانهایشان، خرد می‌شوند که یک شاخه آنها ملاکین و هیات حاکمه طرفدار آن در روستا و شاخه دیگر را کارگزاران حکومت ج ۱۰ نظیر استاندار تهران در شهرهای فشارند.

استاندار تهران همانند حکام ج ۱۰ مبارزه با محرومان را خیلی خوب آموخته و قاطعانه بکاری برد می‌گوید: "بایست برای متحد و دیت برای مهاجرین سد دیگری در برابر آنان ایجاد خواهیم کرد."

ندادن دفترچه بسیج اقتصادی به مهاجرین (چه جنگی و چه روستایی)، جلوگیری از خانه سازی محرومان و ایجاد گشتهای ویژه برای این کار از جمله سدسازی های دیگر آقای استاندار برای زحمتکشان است. البته از

استاندار جمهوری اسلامی انتظار رسد سازی در مقابل سیلاب و آب برای کشاورزی در روستاها نمی‌رود. بقولی، از تنور سرد نان داغ بیرون نیاید!

وعده سرخمرن

"سفیر فلسطین درج ۱۰۱۰ امروز با وزیر کار و امور اجتماعی دیدار کرد. در این دیدار ضمن بحث و تبادل نظر در رابطه با مسایل مورد علاقه و کشور، سفیر فلسطین خواستار برقراری ارتباط بین اتحادیه کارگری فلسطینی و ایرانی شد. وزیر کار و امور اجتماعی ضمن اشاره به جنگ تحمیلی گفت: جنگ در حال حاضر مساله اصلی ماست و ما امید داریم زمینه های همکاری بیشتر دو ملت فراهم و قدس از طریق کریلا آزاد شود." (رادپیچ ۱۸۰۱۰ فروردین)

از درازی وعده و امید فرسوده شود شیر را چنگال و دندان پیل را

"مردم" صاحب معدن می‌شوند!

اخیرا در جمهوری اسلامی قرار شده است "مردم" معدن داشته باشند. وزیر معادن و فلزات در مصاحبه با خبرگزاری ج ۱۰ در رابطه با چگونگی جذب سرمایه های راکد و تشویق مردم (۱۱) به سرمایه گذاری در معادن گفت:

"انشاء الله وزارت معادن و فلزات نیز همه گونه تسهیلات لازم را فراهم خواهد کرد تا سرمایه های راکد طبق مقررات و ضوابط قانونی ۵۰۰ بسیج شده و در این جهت حرکت کنند."

می‌دانیم که در فرهنگ جمهوری اسلامی هر مقوله و واژه ای تعریف خاص خود را دارد. در اینجا منظور ج ۱۰ از "مردم" کسانی است که سرمایه های چند میلیون تومانی دارند و می‌توانند معادن و کارخانه های بزرگ ملی شده را از دولت خریداری کنند و از "عذاب وجدان" جمهوری اسلامی دریشگناه سرمایه داران بزرگ و انحصارات بین المللی بکاهند.

بدون شرح

"... فرمانده منطقه یک دریایی ناوگان خلیج فارس ۵۰۰ با حجت الاسلام احمدی نمایندۀ امام و امام جمعه بندر عباس دیدار کرد. ۵۰۰ حجت الاسلام احمدی در این دیدار با اشاره به اهمیت استراتژیک خلیج فارس و تنگ هرمز در تامین بخش عده ای از نفیست دنیای صنعتی غرب، از تلاش بی وقفه پرسنل نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران برای برقراری امنیت در این منطقه تشکر و قدردانی کرد." (کیهان ۵ فروردین)

فراریان افغانی . . .

بقیه از صفحه اول

افغانستان را رد کرده و به تبلیغات و اقدامات زهرآگین خود علیه دولت و خلق افغانستان ادامه می دهند . جمهوری اسلامی که در سطح منطقه حلقه اتحاد خود را با کشورهای ارتجاعی تنگ تر می کند ، آمادگی هرچه بیشتری جهت مقابله و تجاوز علیه جنبش های مرفعی منطقه به نمایش می گذارد . اکنون رهبران جمهوری اسلامی برای رضایت خاطر و جلب اعتماد امپریالیست ها حاضر به مداخله هرچه بیشتر در امور افغانستان هستند .

موضع خصمانه رژیم ایران

همه می دانند که رژیم ایران همواره موضع گیری خصمانه ای در مقابل انقلاب افغانستان اتخاذ کرده است . حکام ایران بعد از سقوط رژیم پهلوی دولت افغانستان را " بی خدا " خواندند و از برسمیت شناختن دیپلماتیک این کشور امتناع ورزیدند . آنها علاقه و محبت و آفری نسبت به ضد انقلابیون یا این باصطلاح " مجاهدین مسلمان " ابراز نمودند .

مهاجرین افغانی که تعداد آنها به یک میلیون نفر می رسد ، در ایران بعنوان گروه های مقاومت شیعه بسیج می شوند ، تعلیمات نظامی می بینند و جهت اجرای عملیات ضد انقلابی از طریق مرز به افغانستان گسیل می شوند . در کنگره ها و مجامع بین المللی جمهوری اسلامی همواره با سیاست مخرب امپریالیسم از ضد انقلابیون افغانی پشتیبانی بعمل آورده و نمایندگان ضد انقلابیون مسلح را که در پاکستان حضور دارند در هیات های خود جامی دهد . چهار سال پیش یعنی زمانی که رهبران جمهوری اسلامی

در مواضع ضد امپریالیستی خود اصرار و ابرام می ورزیدند ، به گروه های ضد انقلابی افغانی هشدار می دادند هیچ گونه پشتیبانی و کمک را از غرب قبول نکنند : " اگر برای آزادی از اسارت شوروی به آمریکا متوسل شوید ، هدف غارتگرانه آمریکائیان می شود " (رادیو ایران ۸/۸/۸۱) . در سال ۱۳۵۹ جریان راستگرای ضد انقلابی " جمعیت اسلامی " که از طریق پاکستان بر علیه افغانستان اقدام می کرد ، بوسیله آیت الله خمینی ممنوعه اعلام گردید . اتهامات این جمعیت ، قاچاق هروئین به مقادیر زیاد ، تعاس های تنگ تنگ با سازمان سیا ، همکاری با گروه های طرفدار امپریالیسم که قصد براندازی دولت ایران داشتند ، بود . اما اکنون با گرایش بر است جمهوری اسلامی ایران و گسترش روئند نزدیکی به امپریالیسم صدای این اعتراضات نیز خاموش گردید و جمهوری اسلامی به فعالیت های ضد انقلابی خود علیه افغانستان که تا حد " از شر افغانستان رها شدن " ارتقاء یافته است ، ادامه عمل می پوشاند .

فراریان افغانی ابزار سرکوب

و جنگ افروزی رژیم ایران

فراریان سابق افغانی اکنون اساساً جهت تحقق اهداف ارتجاعی جمهوری اسلامی در زمینه های داخلی و خارجی بکار گرفته می شوند . رژیم در مبارزه بر علیه مبارزان فعال در کردستان از افغانیان فراری تحت نام " ارتش ناشناخته " استفاده می کند . بخش اعظم " ارتش شهیدان " که در درگیری های اخیر در کردستان شرکت داشتند از افغانی ها تشکیل می شوند و این امر نیز منطقی است زیرا این افغانیان از لحاظ مبارزه در مناطق کوهستانی از تجربیات خاصی برخوردار هستند .

حتی روزنامه های کشورهای سرمایه داری که از قطع چرخش بر است جمهوری اسلامی انعطاف پذیری از خود در مقابل رژیم ایران بخرج می دهند ، مجبور به انتشار این واقعیات دردناک گشته اند . روزنامه " فرانکفورتر آلگه ماینه تسایتونگ " بلندگوی انحصارات آلمان قدرال در شماره ۱۶ ژوئن سال ۸۳ خود قدیمی کند : " افغانی های فراری نیز در جنگ ایران و عراق به اجبار به جبهه فرستاده می شوند . آزمایانی که اهالی ایران از جنگ خسته شده اند ، برخی کمیته های پاسداران انقلاب را آنجمله در مشهد و شیراز افراد افغانی را که از نظر سنی توانایی جنگیدن را دارند ، به خدمت می گیرند . " تاخرداد ۱۳۶۲ تقریباً ۴۰۰ سرباز افغانی کشته یا ناپدید گشته اند . روزنامه آلمانی " زود دویچه تسایتونگ " در ۲۴ ژانویه ۸۴ اشاره می کند : " افغانی های فراری را در مقابل این انتخاب قرار می دهند ، به جنگ رفتن و مبارزه کردن یا اخراج شدن از ایران " . در همین رابطه مرزبانان پاکستانی گزارش می دهند در سامبر ۱۹۸۳ حدود ۴۰۰۰ نفر افغانی به پاکستان رانده شده اند . حزب دمکراتیک خلق افغانستان عمیقاً متاثر است ، که گفتگو های صلح ایران و افغانستان تحت نظارت سازمان ملل متحد انجام نگرفت و جنگ اعلام نشده علیه افغانستان از خاک ایران هدایت می شود . این تدابیر ارتجاعی سمت و سوی سیاست گستاخانه جمهوری اسلامی را در مقابل دولت افغانستان نشان می دهد . اما انقلاب افغانستان همچنان در جهت استحکام و پیشرفت خطوط اصلی خود به پیش می تازد و خیالی پس خام است ، اگر تصور شود که این انقلاب پیروزند توده ای رابهمین راحتی می توان درهم شکست . باید از رسوایی تجاوزگران امپریالیستی و ارتجاعی در افکار عمومی جهان پند گرفت .

توضیح و بوض

باپویش از خوانندگان گرامی ، در شماره ۱ " اکثريت " چند اشتباه چاپی پیش آمده است :

۱- در صفحه ۷ در خبر مربوط به اعتصاب غذا در فرانسه ، دو سطر نخست اضافی است و یک سطر نیز جا افتاده است . پارگراف اول بدین صورت درست است :

" بر اساس اخبار منتشره در روزنامه های " دپش " و " ژورا " چاپ فرانسه ، پناهندگان سیاسی ترك و کرد اسکان داده شده در شهر " دل " فرانسه برای حمایت از اعتصاب غذای زندانیان ترك و کرد در زندان های دیاریکس ، آنکارا و الازیت ترکیه و اعتراض به مرگ ۱۱ اتن از این زندانیان ، دست به یک اعتصاب غذای سه روزه (از ۹ تا ۱۲ مارس) زدند . "

۲- تاریخ انتشار نشریه که در صفحه اول " جمعه ۵ اسفند ۱۳۶۲ برابر ۲۴ فوریه ۱۹۸۴ " آمده است ، " جمعه ۱۷ فروردین ۱۳۶۳ برابر ۱۶ آوریل ۱۹۸۴ " درست است .

تقسیم اراضی وارونه!

بقیه از صفحه ۳

اما رهبری جمهوری اسلامی راهی را در پیش گرفت که جز به افلاس هرچه بیشتر روستائیان ، جز به ورشکستگی هرچه بیشتر اقتصاد کشاورزی ، جز به مهاجرت هرچه بیشتر روستائیان به شهرها ، جز به افزایش واردات کالاهای کشاورزی از کشورهای امپریالیستی و . . . به چیز دیگری منجر نشد . امروز طبق گفته خود مقامات حکومتی ، تنها واردات کنند در سال گذشته حدود ۳ برابر نسبت به سال قبل از آن افزایش پیدا کرده است .

امروز رهبران و مقامات جمهوری اسلامی ، دیگر " راه حل " دستیابی به خودکفایی در عرصه مواد غذایی را نه در گرو افزایش تولید داخلی ، نه در حمایت از زحمتکشان روستا ، بلکه در این می بینند که از کامیون داران محترم

تقاضا کنند تا جهت حمل گندم های خریداری شده از کشورهای امپریالیستی به تهران ، بطرف بنادر ایران بشتابند . رهبران جمهوری اسلامی سرانجام به این نتیجه رسیدند که نیازی به جهاد تقسیم اراضی نیست ، نیازی به جهاد بسرای رفع محرومیت دهقانان نیست ، نیازی به جهاد خودکفایی نیست . اینهمه را آنها با " جهاد تخلیه کالا " ! حل کردند . " جهاد تخلیه کالا " و " استراتژی کامیون " آقایان هیچ چیز تازه ای نیست . این همان سیاستی است که در ادامه خود به گسترش وابستگی به انحصارات امپریالیستی می انجامد و قبلاً بشکل کامل آن ، توسط رژیم سرسپرده شاه دنبال می شد . زحمتکشان روستا ، این سیاست را محکوم می کنند . آنان به بازگشت فئودالها تمکین نخواهند کرد . آنان حاضر نخواهند شد وضعیتی را تحمل کنند که یکبار برای تغییر آن انقلاب کردند . آنها با سردمداران این سیاست ضد مردمی مبارزه می کنند .

کارنامه حکومت ژنرالها در ترکیه

متعهد و انقلابی مورد غضب قرار گرفتند. تنها اینک دانشگاه در شهر آنکارا ۱۷۷ نفر از استادان را وادار به استعفاء کرد. اکنون سطح آموزش علمی دانشگاهها فوق العاده تنزل یافته است و جای استادان متعهد و مترقی را عناصر مرتجع و چاپلوس گرفته اند. معلمین نیز از یورش کودتا چنان بی بهره نبودند. تعداد معلمین که بعد از کودتا و انحلال سازمان صنفی معلمین (TUBDER) مجبوره استعفاء از مراکز آموزشی شدند به بیش از ده هزار نفر رسید.

فشار بر خلق کرد در حکومت ژنرالها افزایش یافت. مردم کردستان ترکیه که حتی از حقوق تکلم به زبان مادری محرومند مورد تهاجم نظامیان قرار گرفتند. هزاران نفر از مبارزان کرد بخصوص اعضای سازمان "در راه آزادی" (آزادلیق یولو) بازداشت و به حبسهای طویل مدت محکوم شدند.

ترکیه، پایگاه نظامی آمریکا

ترکیه در بین کشورهای ناتو از موقعیت بی نظیر استراتژیک در نقشه های نظامی ناتو برخوردار است. ترکیه دارای مرز طولانی با اتحاد شوروی و بلغارستان است و نقش سنگین مقدم امپریالیسم را، در برابر مراکز قفقاز اتحاد شوروی و کشورهای سوسیالیستی شبه جزیره بالکان دارد و نیز پایگاه بزرگ امپریالیسم علیه خاور میانه و بخصوص منطقه خلیج فارس است. آمریکا تاکنون برای گسترش پایگاههای خود در ترکیه سرمایه گذاری زیادی کرده است.

ژنرالهای ترکیه بعد از کودتا، قرارداد های جدید نظامی با آمریکا بستند که ترکیه را هر چه بیشتر به آلت دست پنتاگون تبدیل کرده است. بعد از دیدار کاسپاروویچ برگر و زبرد فاع آمریکا از ترکیه در سال ۱۹۸۱، بیانی منعقد که برای طرحهای جدید سیا و پنتاگون زمینه های مساعدی بوجود آورد. نزدیک به پانزده پایگاه آمریکا در ترکیه بازسازی شد و به سیستم های مدرن جهت استفاده هواپیماهای امریکا مجهز گردید و بعلاوه در بخش خاوری کشور، نزدیک مرزهای ایران ساختمان پایگاه جدیدی شروع شد. هم اکنون ۶۰ پایگاه نظامی که شامل هفت پایگاه بزرگ می باشد در ترکیه ساخته شده است. این پایگاهها وسیعاً مورد استفاده نیروهای "وکنش سریع" قرار می گیرد. در این مدت عبده نیروهای مسلح ترکیه به رقم سرسام آور هفتصد هزار نفر رسید که از نظر تعداد مقام دوم را پس از نیروهای آمریکا در میان کشورهای ناتو داراست. در این سه سال فعالیتهای جاسوسی علیه کشورهای سوسیالیستی از خاک ترکیه مقیاس وسیعتر پیدا کرده است. استفاده از چهار دستگاه کنترل مخابراتی فوق العاده مجهز برای بقیه در صفحه ۱۱

در سایه چالهای ارتجاع بر سر می برند. در این مدت دهها هزار تن از زندانیان در بیدادگاهها نظامی محاکمه و به زندانهای سنگینی محکوم شدند. شکنجه جسمی و روحی بطور سیستماتیک، در مورد زندانیان اعمال شده است. در سال گذشته از جانب سازمان نفو بین المللی، لیستی تجمیع ژنرالها شده که نشان می داد ۶۰ نفر زیر شکنجه به شهادت رسیدند. وزیر کشور ژنرالها بی شرمانه ۱۵ مورد رانتیید و برای بقیه دلایل مضحک از جمله خودکشی و بیماری را به میان آورد.

ژنرالها کلیه نشریات مترقی را تعطیل و نویسندگان و گردانندگان آنها را دستگیر کرده و اموال آنها را مصادره نمودند. کودتاچیان قانونی را تصویب کردند که آزادی مطبوعات و آزادی بیان را از مردم سلب نمود. مطابق این قانون دادگاه های مخصوص مطبوعات منحل و دعاوی به دادگاههای اجرایی محول شد و دولت حق مصادره چاپخانه و اموال مخالفین را بدست آورد. روزنامه نگاران و نویسندگان



"شکنجه" طرح از سیابند آارات
اسیر در زندان دیار بکر ترکیه

خلق بازداشت و تاکنون نویسندگان و شاعران تعطیل و کمیته و هیات اجرایی آن تحت بازجویی قرار گرفتند.

ژنرالها دانشگاهها را نیز مورد هجوم قرار دادند. آنان با تصویب قانون "یوک" ضربات سنگینی برداشتند و شالوده علمی جامعه وارد آوردند. با اجرای این قانون تصفیه وسیعی در سطح دانشگاهها و مراکز آموزشی عالی صورت گرفت. استادان و پرفسورهای

رئیس ژنرالهای ترکیه در دنیا بعنوان یکی از شناخته شده ترین دشمنان آزادی و عدالت اجتماعی و استقلال ملی رسوا شده است. اما این رسوایی البته مانع از آن نیست که حکومت ترکیه دوستان بسیار و وفاداری "علاوه بر کشورهای امپریالیستی داشته باشد. امروز در منطقه خاور نزدیک و میانه رؤیهای اسرائیل، عراق، عربستان سعودی، پاکستان و جمهوری اسلامی ایران از دوستان نزدیک و پروپا قرص حکام ترکیه هستند. در این میان جمهوری اسلامی وضع ویژه ای دارد. ایران به بزرگترین واردکننده کالاهای ترکیه تبدیل شده است. حکومت ایران یک دست را در دست پاکستان و دست دیگر را بدست ترکیه (عضو سرشناس ناتو) داده و این همه را نیز زیر علم "نه شرقی، نه غربی" پیش می برد!

سرکوب فاشیستی نیروهای ملی و انقلابی

در سال ۱۹۸۰ ژنرالهای دست نشانده ترکیه به دستور امپریالیسم آمریکا قدرت سیاسی را به دست گرفتند. امپریالیسم در شرایطی به استفاده از سلاح کودتا متوسل شد که موجی از اعتصابات کارگری تمام صنایع بزرگ و کوچک ترکیه را فلج کرده بود. در همین زمان مبارزات خلق کرد برای کسب خودمختاری شدت یافته بود. جنبش انقلابی و بخصوص حزب کمونیست ترکیه در میان مردم بویژه کارگران اعتبار و حیثیت قابل ملاحظه ای کسب کرده و توده های زحمتکش در سازمانهای صنفی و سیاسی متشکل بودند. جنبش انقلابی آنچنان اوجی گرفته بود که می رفت بساط حکومت وابسته امپریالیسم را برچیند.

ژنرالها دارا ولین گام، کلیه سازمانهای سیاسی مترقی، انجمن ها و تشکلهای صنفی و توده های رامنحل اعلام کردند: "اتحادیه سندیکا های انقلابی" (دیسک DISK) با عضویت بیش از ۶۰ هزار کارگر که تصمیم اراده پولادین طبقه کارگر ترکیه بود، به همان سرنوشت دچار شد. سازمان همبستگی معلمان ترکیه (توبدر TUBDER) با عضویت بیش از ۴۰۰ هزار معلم، شرکت تعاونی و همبستگی روستائیان (کوی کوب) با عضویت بیش از ۳ میلیون دهقان، سازمان جوانان پیشرو (ایگد IGD) سازمان دمکراتیک زنان (ایکو IKO) و انجمن صلح و صدها انجمن و تشکلهای توده ای نیز منحل اعلام شدند.

اعضای سازمانهای مترقی سیاسی تحت پیگرد قرار گرفته و پس از بازداشت بوجه شدیدی شکنجه می شوند. بنابه گزارش حزب کمونیست ترکیه پس از کودتا در مجموع بیش از ۲۰۰ هزار نفر دستگیر شدند و هم اکنون حدود ۵۰ هزار نفر

بمناسبت دهمین سالگرد انقلاب پرتغال نگاهی به انقلاب پرتغال

عمل شمس

اقدام به کودتای نافرجام ضد انقلابی توسط ژنرال اسپینولا که خود از ماه مه تا سپتامبر ۷۴ رئیس‌جمهور این کشور بود و پس از آن به خارج گریخت، نمونه بارزی از تلاش ضد انقلاب جهانی برای شکست انقلاب پرتغال بود. بدنبال این توطئه‌های ضد انقلابی از ۲۵ نوامبر ۷۵ چرخش به راست در سیاست پرتغال آغاز گشت و بازگشت و نابودی دستاورد های انقلاب در دستور کار قرار گرفت.

رهبری حزب سوسیالیست این کشور در تمام این روند گردش به راست متحد ارتجاع پرتغال بود. این حزب در سال ۱۹۷۶ برمسند قدرت نشست. از طرف دیگر نیروهای چپ رو که ماجراجوئیهای آنان به اپورتو نیمه راست در رسیدن به مقاصد شوم آن یاری می‌رساند، آب به آسیاب ارتجاع می‌ریختند.

حزب کمونیست پرتغال که دردوران فاشیسم سنگرمقاومت و نمونه برجسته ایشمار و فدکاری بود پس از انقلاب باتمام قوا به دفاع جانانه از دستاوردهای آوریل پرداخت. نگاهی کوتاه به شرایط فعلی پرتغال بروشنی مبارزه سخت و آشتی ناپذیر دواوردی ترقی و ارتجاع را نمایان می‌سازد. رهبران حزب سوسیالیست که در برنامه انتخاباتی خود پیش مبارزه با ارتجاع و سیاست ارتجاعی حکومت گذشته را اعلام داشتند، در سال گذشته پس از موفقیت نسبی خود تمام قولهای خود را فراموش و برای یافتن اکثریت در پارلمان دست به ائتلاف با سوسیال دمکراتها زدند.

دولت ائتلافی دو حزب سوسیالیست و سوسیال دمکرات نیز چون ارتجاع موفلسه گذشته، سیاست احیای قدرت اقتصادی و سیاسی انحصارات امپریالیستی و بازگرداندن بخشهای ملی شده اقتصاد و اراضی تقسیم شده به سرمایه داران و ملاکین را در پیش گرفت و حتی در مواردی این سیاست را تشدید کرد. هموار کردن راه برای دستیابی مجدد سرمایه بزرگ به بخشهای کلیدی ملی شده از قبیل بانکها، شرکتها، بیمه، صنایع سیمان و تولیدات کوه شیمیایی، با آنکه مالکیت خصوصی در این بخشها در قانون اساسی ممنوع اعلام گردیده است، از مقاصد حکومت است. فشار به مردم زحمتکش تا آنجا پیش رفته است که حکومت درصددور مجوز برای سرمایه داران است تا بتوانند کارگران را اخراج کرده، سطح دستمزدها را پائین آورده و حتی برای کاهش آن از ساعات کار بکاهند.

محافل حاکم با طرح بحران عمیق اقتصادی

ده سال پیش در روز ۲۵ آوریل ۱۹۷۴ پایه حرکت درآمدن بخشی از واحدهای ارتش پرتغال بساط یکی دیگر از منفورترین رژیمهای فاشیستی برچیده شد.

در سال ۱۹۳۲، با قدرت رسیدن سالازار و چهار سال پس از کودتای نظامی بر علیه نظام جمهوری، دوران فاشیسم در پرتغال آغاز گشت.

در سال ۱۹۶۸ کائانو نخست وزیر پرتغال شد و راه همفکر خود سالازار را ادامه داد. در این دوران کوشش جهت ایجاد شکاف در اپوزیسیون و بطور عمده محروم ساختن آن از یگانه نیروی متشکل خود یعنی حزب کمونیست پرتغال با حدت و شدت تمام دنبال گشت. هدف عمده فاشیسم حاکم در این دوران ایجاد آرامش از طریق ترور و بیدادگری بود. مردم محروم پرتغال ظلم و ستم روا شده بر آنان را با گشت و پوست خود لمس می‌کردند.

برسستر این شرایط مبارزه مردم علیه رژیم بیش از پیش گسترش یافت. بسط مبارزات حقوق طلبانه مردم با مساله مستعمرات ارتباط تنگاتنگ داشت. دردورانی که انقلابات رهایی بخش ملی لرزه براندام دولتهای نیرومند استعمارگر انداخته بود و جز عقب نشینی و تن دادن به استقلال مستعمرات خویش راهی نداشتند، رژیم فاشیستی پرتغال واقعیت سترگ دوران ما را که استعمار محکوم به فناست، درک نمی‌کرد و با جنگ و دندان درصدد حفظ مستعمرات خود بود. درگیر شدن با جنبشهای استقلال طلبانه در موزامبیک، آنگولا و گینه بیسائو، بسیج ارتش جهت سرکوب این جنبشها و بلیعه شدن قسمت عمده بودجه کشور در این راه، سرکشی و طغیان رادار ارتش دامن زد.

بدنبال قیام ۲۵ آوریل، ژنرال اسپینولا رئیس‌جمهور شد و دولت موقت برپاستاداپالما کارلوش تشکیل گردید. در این دولت کمونیستها، سوسیالیستها، جنبش دمکراتیک و کاتولیکهای مرفی شرکت داشتند.

انقلاب پرتغال همچون سایر انقلابات معاصر دستاوردهای عظیمی به همراه داشت. انحلال سازمان امنیت، احیای دمکراسی، آزادی زندانیان سیاسی، تصفیه ارتش از عناصر فاسد، ایجاد تعاونیهای دهقانی و ملی کردن بخشی از بانکها و صنایع بزرگ نمونه هایی از آنند. انقلاب پرتغال نیز از اقدامات توطئه گسترانده امپریالیسم آمریکا در امان نماند و امپریالیسم جنایتکار آمریکا از طریق سیا و عامل آن، سفیر آمریکا در آن کشور و سایر نوکران داخلش و ارد

و مالی موجود در پرتغال سعی در توجیه و ابستگی روز افزون به امپریالیسم و صندوق بین المللی پول و نیز دیگر اقدامات معمول در جهت منافع کلان سرمایه داران را دارند و از این بحران بعنوان یک عامل تبلیغاتی استفاده می‌کنند. این سیاست ارتجاعی خطری جدی برای دمکراسی در پرتغال است. برای ذکر نمونه کافی است به گزینش مونتاپینتو به سمت وزیر دفاع نام برد که همه از همکاری او با محافل فاشیستی مطلعند.

باتوجه به همه این ماییل نتیجه انتخابات سال گذشته که در آن حزب کمونیست پرتغال به پیروزی درخشانی دست یافت و وقایع پس از آن نشان داد که کشور پرتغال به هیچ وجه محکوم به پذیرش اراده دولتهای ارتجاعی و راستگرا نیست. حزب کمونیست پرتغال برآن است که زمینه تشکیل یک حکومت دمکراتیک و پیشبرد یک سیاست دمکراتیک بیش از پیش موجود است و بدین جهت تشدید مبارزه علیه حکومت راستگرای فعلی امری ضروری است که وظیفه همه نیروهای ترقیخواه را تشکیل می‌دهد. حزب کمونیست پرتغال در صفوف مقدم این مبارزه است.

آموزشهای سترگ لنین چراغ راهنمای بشریت

بقیه از صفحه ۷

پس، اپورتو نیمه در ماییل تشکیلاتی را زیر تیغ برنده انتقاد برد. او خطرات ناشی از کم بها دادن به اهمیت تشکیلات برای طبقه کارگر را خاطر نشان ساخت.

در کتاب "چه باید کرد؟" لنین "اکنون همس" بعنوان یک جریان اپورتو نیستی در سوسیال دمکراسی روسیه را از نظر ایدئولوژیک به ورشکستگی کشاند. او ثابت نمود که اکنون میسها مبلغ نوعی از برنشتینسم هستند که بعد از مارکس و انگلس با شعار آزادی انتقاد که معنایی جز وارد کردن ایدئولوژی بورژوازی به صفوف طبقه کارگر نداشت، به میدان آمدند. در این نوشته لنین مطابق با شرایط تاریخی ایده های مارکس و انگلس در رابطه با حزب بعنوان یک نیروی انقلابی و هدایت کننده و متشکل را بسط داد و رابطه آگاهی با حرکتها و خود بخودی را در جنبش کارگری توضیح داد.

هرآنچه لنین به نگارش درآورد چیراغ راهنمای طبقه کارگر و زحمتکشان سراسر جهان شد. آموزشهای او در تلفیق با عمل انقلابی راهبلیه بر موانع پیشرفت و تکامل بشریت را نشان می‌دهد. مشعلی که لنین برافروخت، امروز در حیات شکوفا و بالنده سوسیالیسم و اقوام موجود، در نبرد سترگ کمونیستها و انقلابیون سراسر جهان در راه صلح، دمکراسی، ترقی اجتماعی، در مبارزه طبقه کارگر جهان سرمایه داری برای نیل به سوسیالیسم، در پیکار خلقها برای رهایی از سلطه امپریالیسم و ستم نو استعماری، زنده است و هر روز فروزان تر می‌گردد.

رویدادهای
جهانرفیق چرنکو به عنوان
صدر هیئت رئیسه شورای عالی
اتحاد شوروی انتخاب شد

در روز چهارشنبه ۱۱ آوریل (۲۲ فروردین) اجلاس شورای عالی اتحاد شوروی در مسکو برگزار شد. شرکت کنندگان در این اجلاس، به اتفاق آراء، رفیق کنستانتین اوستینیوویچ چرنکو دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی را به سمت صدر هیئت رئیسه شورای عالی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی برگزیدند.

همچنین در روز پنجشنبه ۱۲ آوریل (۲۳ فروردین) در ادامه اجلاس شورای عالی اتحاد شوروی، رفیق نیکولای تیخونوف مجدداً به مقام ریاست دولت، آندره گرومیکو به مقام وزارت امور خارجه و مارشال دیمیتری اوستینوف به مقام وزارت دفاع کشور برگزیده شدند.

۱۱ هزار ضد انقلابی
به نیکاراگوئه یورش آوردند

در دادگاه بین المللی لاهه رسیدگی به شکایت نیکاراگوئه علیه آمریکا در رابطه با مین گذاری بنا در این کشور توسط سازمان سیا ادامه دارد. در همین حال، در نیکاراگوئه نبردهای سختی میان نیروهای دولت انقلابی و ضد انقلابیون

تحت حمایت آمریکا، در گرفت. دانیل اورتگا هماهنگ کننده شورای دولتی نیکاراگوئه اعلام کرد بیش از ۱۱ هزار مزدور در حملات کنونی ضد انقلاب شرکت دارند. حدود ۶ هزار تن از این ضد انقلابیون از مناطق مرزی هندوراس و کستاریکا به نیکاراگوئه نفوذ کرده اند.

بیش از ۱۱۰ هزار عضو اتحادیه سندیکیایی ساند نیست نیکاراگوئه تصمیم گرفته اند تولید را افزایش دهند. در کارخانجات و تعاونی ها افراد زیادی داوطلب شرکت در نبرد علیه ضد انقلاب شده اند.

ضد انقلابیون افغانی
مجهز به سلاح شیمیایی آمریکایی

در نمایشگاهی که در کابل پایتخت افغانستان برگزار گردید، ادوات و تجهیزات نظامی به غنیمت گرفته شده از اشرا و ضد انقلابیون افغانی به نمایش گذاشته شد. از جمله سلاحهایی که در این نمایشگاه در معرض دید عموم قرار گرفت، بمبهای شیمیایی ساخت آمریکا بود. این سلاح حاوی مواد سمی خطرناکی نظیر "توکسین" بودند. همچنین مقامات افغانستان اعلام کردند سازمان سیاسی یکی از عوامل افغانی خود "سیانور" داده بود تا آب آشامیدنی شهر کابل را مسموم کند.

صوفیه میعادگاه
دانشجویان دمکرات جهان

کنگره اتحاد بین المللی دانشجویان روز پنجشنبه ۱۲ آوریل (۲۳ فروردین) در صوفیه پایتخت بلغارستان با شرکت نمایندگان قریب ۱۲۰ کشور جهان گشایش یافت. مهمترین بخش دستور کار این کنگره، مبارزه جوانان در راه

صلح و ترقی اجتماعی است. نتود و ریوکوف رهبر بلغارستان طی بیاناتی خطاب به شرکت کنندگان در کنگره گفت: "پیشرفت تمدن بدون صلحی پایدار غیر ممکن است." وی افزود جامعه کشورهای سوسیالیستی به نحو پیگیر راه تحکیم مبنای امنیت بین المللی و قطع مسابقه تسلیحاتی مجاهدت می ورزند. نتود و ریوکوف اظهار داشت، سیاست نظامی گرانه و آشپختن که موشکهای جدید هسته ای خود را در خاک اروپا مستقر و نقشه های جنگ فضایی را طرح ریزی می کنند صلح جهانی را تهدید می نماید.

تظاهرات با شکوه کارگران فولاد
علیه سیاستهای دولت فرانسه

کارگران معادن آهن و کارخانه های فولاد سازی منطقه لورن فرانسه با ۳۰۰ اتوبوس و ۱۲ قطار ویژه روز ۱۳ آوریل به پاریس رفتند تا اعتراض خود را علیه طرح فولاد "دولت فرانسه اعلام نمایند. کارگران کارخانه های منطقه پاریس نیز به این راهپیمایی پیوسته و آنرا به بزرگترین راهپیمایی مردمی در فرانسه ظرف سه سال گذشته، تبدیل کردند.

این راهپیمایی بوسیله ۶ سندیکیایی مهم فرانسه و در رأس آنها کنگد راسیون عمومی کسار (ث.ژ.و.ت) سندیکی انقلابی که بزرگترین سندیکی کارگری فرانسه نیز هست، سازماندهی شده بود. این نخستین بار طی چند سال گذشته بود که این سندیکاها در یک راهپیمایی، مشترکاً و در سطح ملی شرکت می کردند.

روزنامه اومانیته روز ۱۴ آوریل نوشت: "این حرکت جمعی تنها راه مقابله با فشارهای روزافزون کارفرمایان و احزاب دست راستی و پیشروی پسوی دستیابی به اهداف سال ۱۹۸۱ (سال پیروزی احزاب چپ در انتخابات) می باشد."

با جمع آوری
کمک مالی

فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی خود
یاری دهید!

هزینه چاپ این شماره "اکثريت" را
رفقای انگلستان
تأمین کردند

معادل بهای "اکثريت"

آلمان فدرال	۱ مارک	اتریش	۸ شلینگ
آمریکا	۵۰ سنت	سوئد	۳ کرون
انگلستان	۳۰ پنس	فرانسه	۳ فرانک
ایتالیا	۶۰۰ لیر	هندوستان	۴ روپیه

با نشریه "اکثريت" می توانید از طریق آدرس های زیر مکاتبه کنید.

آلمان فدرال
POSTFACH 23007
6500 MAINZ 23
W. GERMANY

انگلستان
P.O. BOX 101
LONDON N17 6YU
ENGLAND

ایالات متحده
P.O. BOX 66156
LOS ANGELES, CA 90066
USA

ایتالیا
C.P. 3125
00122 OSTIA LIDO (ROMA)
ITALY

هندوستان
P.O. BOX NO 3018
NEW DELHI - 110003
INDIA

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا